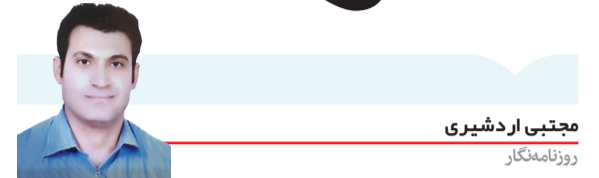


گزارش «فرهنگینگان» از استمرار تعطیلی سینماها و فزاینده شدن مشکلات سینماگران

کار دبه استخوان سینما رسید، کاری بکنید!



مجتبی اردشیری

روزنامه‌نگار

در نخستین روزهایی که ویروس منحوس کرونا قدم به خاک ایران گذاشت، سینماها جزء اولین مکان‌هایی بودند که بدون هیچ‌متولی و برنامه خاصی تعطیل شدند. باور اولیه سینمادارها و اهالی رسانه این بود که این تعطیلی نه‌اینها تا قبل از نوروز به پایان می‌رسد و با ورود سال جدید، خبری از این تعطیلی‌ها و محدودیت‌ها نخواهد بود. اما سینماها چون هیچ مدیریت کلانی را پشت خود نمی‌دیدند، اولین مکان‌هایی بودند که تعطیل شدند و جزء آخرین مشاغل و صنفی بودند که پس از تحمل چهارماه تعطیلی و خانه‌نشینی، تحت شرایطی عجیب گشایش یافتند.

این اتفاق تنها منحصر به سال‌های سینما نبود و تولیدات سینمایی و تلویزیونی رانیز شامل می‌شد. در کنار تمام این موارد، خانه‌نشینی اجباری سینماگرانی که تنها حرفه اصلی آنها همین بود و به این ترتیب، محل اترتاق آنها بسته شده بود نیز به دغدغه مهمی تبدیل شد که ضرورت رفع آن به موازات مشکلات دیگر مطرح شد. دولت هم در این آشفته‌بازار کرونایی، کمترین توجه خود را به اهالی فرهنگ گذاشت تا امروز که بیش از ۱۰ ماه از ورود کرونا به ایران می‌گذرد، با جدیت اعلام کنیم که تقریباً هیچ صنف و رشته شغلی به اندازه سینما و سینماگران، از بابت محدودیت‌ها و تعطیلات کرونایی، متضرر نشده و خسارت ندیده‌اند.

در همین ارتباط یکی از تهیه‌کنندگان کهنه کار سینمای ایران به «فرهنگینگان» گفت: «در این چندماه، بسیاری از مشاغل با محدودیت‌هایی همراه شدند. آنهايي هم که محدودیت‌هایشان زیاد بود، توانستند به‌صورت جسته‌وگریخته فعالیت‌هایی داشته باشند، اما آن دسته از مشاغلی که نتوانستند هیچ‌فعالیتی ولو به‌صورت غیرقانونی و قاچاقی داشته باشند؛ یک سینمادارها بودند، دوم مشاغل مربوط به هتلداری و توریسم و در آخر هم تالارهای پذیرایی که در این چندماه بیشترین ضرر و زیان‌ها را به جان خریدند.»

تهدیدهای بی‌ثری به اعتراض

در تمام این چندماه، رسانه‌ها پر شده‌اند از بازتاب و انعکاس مشکلات ریز و درشتی که اهالی فرهنگ با آنها دست به گریبان بودند. دیگر عقب افتادن اجاره‌خانه محل چندان از اعراب نداشت و ویای قرض‌های دستی که برای خریدهای مایحتاج ضروری زندگی مهم بودند، به این چرخه باز شد. همین چندماه پیش بود که یکی از چهره‌های شناخته‌شده سینمای ایران به «فرهنگینگان» از مطالبات دست‌پدنه سینماگران اوسخن گفته بود و اینکه این وضعیت برای بسیاری از همکارانش رخ داده و معلوم نیست چه آینده‌ای در انتظار آنها باشد.

با این وجود، گه‌گاه در برخی محافل سخن‌هایی مبنی بر اعتراض‌های صنفی شکل می‌گرفت که کار اجراهی از این اعتراض‌ها، حتی به طراحی دعوت به تجمع نیز کشید اما هیچ‌یک از آنها حتی تا امروز هم اجرایی نشد.

از دیگر سو، از گوشه‌وکنار خبر می‌رسد که طی این مدت، سینماگران بسیاری در محافل و مجالس خود با مقامات دولتی و مدیران فرهنگی و سینمایی، این وضعیت را به‌شکل هوشمندانه‌ای از این گرداب نجات پیدا کنند؛ نقشه‌راه‌هایی که نه تنها مورد توجه قرار نگرفت، بلکه به‌واسطه شیوع موج سوم کرونا، شرایط را وخیم‌تر هم کرد. سینماهای سراسر کشور که از ابتدای اسفندماه تا نیمه‌های تیرماه به‌صورت یکسره تعطیل بودند، از اواسط آبان‌ماه نیز تعطیل شدند و این تعطیلی تا امروز هم ادامه پیدا کرده است. البته که طی چند روز گذشته، برخی شهرهای کشور که وضعیت کرونایی آنها زرد شده است، اجازه بازگشایی سینماها را پیدا کردند. با وجودی که این روزها، بیش از ۳۰۰ شهر کشور وضعیت زرد را تجربه می‌کنند، عموم این شهرها، شهرهایی هستند که یا سینما ندارند یا مالکان آن سینماها، فعلاً به‌واسطه استهلاک موارد مصرفی ترجیح می‌دهند که در سینماهای خود را باز نکنند. بنابراین وضعیت بسیاری از کلان‌شهرهایی که چندین پردیس سینمایی دارند، نازنجی است و طبق شیوه‌نامه‌های ستاد ملی کرونا، مجاز به بازگشایی سینماها نیستند، مثلاً طی روز گذشته و طبق اطلاعاتی که سمفا عنوان معتبرترین و اصلی‌ترین نهاد موفق در این زمینه در اطلاع‌ما قرار داد، کمتر از ۱۵ سینمای فعال تا ساعت ۱۶ مشغول به فعالیت بودند که این تعداد سینما، کمتر از ۱۰۰ بلیت در سراسر کشور فروخته‌اند. طبق شیوه‌نامه عجیبی که ستاد ملی کرونا وضع کرده است، سینماها در گروه مشاغل سه‌قرار دارند و نمی‌توانند در وضعیت قرمز و نازنجی فعالیت داشته باشند. اینکه چرا سالن‌های سینمایی در رده مشاغل ردیف سه‌قرار گرفته‌اند، سوالی است که مدیران ستاد ملی کرونایی باید آن‌ها پاسخ دهند. وقتی سقف سینماها بلند است، وقتی مخاطبان قرار است با فاصله چندمتری از یکدیگر بنشینند، وقتی تمام پرتکل‌های بهداشتی توسط سینماها رعایت می‌شود و وقتی مخاطبان قرار نیست بیشتر از ۹۰ دقیقه در این فضا بمانند، آن وقت چرا باید سینماها تعطیل شوند؟ آن هم در شرایطی که در ایام کرونایی، حتی ۲۰ درصد از ظرفیت یک سالن نیز پر نمی‌شد، آن وقت استدلال عقلی و مناسب ستاد ملی کرونا برای قرار دادن سینما در رده مشاغل گروه سه، به‌چه ضرورت و لحاظ کردن چه آسیب‌هایی اتخاذ شده است؟ همین چند هفته پیش بود که برخی مدیران سینمایی با یک ذوق زدگی خاصی از درخواست انتقال سینماها به مشاغل گروه ۲ سخن گفتند و اینکه قرار است در این باره، جلساتی را با ستاد ملی کرونا برگزار کنند اما گویا این پیشنهاد آنها هم به در بسته خورده که با کاهش آمار مبتلایان و قربانیان کرونا، باز هم سینماها نمی‌توانند در شهرهای نازنجی فعالیت داشته باشند. از دیگر سو، حجم تولیدات سینمایی نیز به مقدار زیادی کاهش پیدا کرده است. به‌طوری که امسال، کمتر از ۴۰ فیلم سینمایی توانستند مقابل دوربین بروند و این درحالی است که این آمار برای سالیان گذشته، حداقل دو برابر این میزان بوده است. رکود عمیقی که کرونای سینما و سینماگران ایرانی وارد کرده است، با کمترین توجهی از سوی دولتمردان همراه بوده و متأسفانه سکوت سرشار از ناگفته‌های این صنف که در اثر آبروداری و حفظ شأن بدنه سینما استمرار یافته، توسط مدیران فرهنگی کشور درک نشده و بیلان کاری این صنف را با تغییر مواجهه ساخته است.

تمام حمایت‌های دولتی‌ها

در مقابل این آبروداری سینماگران و صورت‌هایی که بر اثر تکرار سیلی‌های زمانه سرخ نگه‌داشته شده، دولتی‌ها همان قول‌های نیم‌بندی را که در ۶ ماهه اول سال داده بودند هم در نیمه دوم ادامه ندادند. در ابتدا مبلغی به خانه سینما اعطا شد که آن خانه این مبلغ را به‌صورت سلیقه‌ای، میان برخی اعضا پخش کرد. در ادامه، یک سبد کالا تعریف شد که آن سبد هم میان برخی اعضا پخش شد.

یکی از اعضای خانه سینما به «فرهنگینگان» گفت: «وقتی عیدی ۵۰۰ هزار تومانی

خانه سینما به برخی اعضا داده شد و این ناعادتی برای چندمین سال متوالی ادامه یافت، سرسودها و اعتراض‌ها کار را به‌جایی رساند که مدیران خانه را مجبور کرد تا با طراحی سیستمی، به شناخت اعضای نیازمند پرداخته تا لااقل سبد کالای خود را به شکل منصفانه‌تری تقسیم کنند. در آن سامانه، طی حدوداً ۴۰ سوالی که مطرح شد، اطلاعات بسیاری از متقاضی گرفته شد اما در آخر باز هم سبد کالا به من و بسیاری از دوستانم که واجد اصلی این سبدها بودیم، تعلق نگرفت. حالا سوال من از مدیران خانه سینما این است که وقتی من با زن خانه‌دار و یک فرزند محصل، در شرایطی که مستاجر هستم و کار ثابت یا متفرقه هم ندارم و بیمه تامین اجتماعی مرا هم خودشان پرداخت می‌کنند و از دیگر امکانات نظیر تومبیل شخصی هم بهره‌مند نیستم، مشمول این عیدی و سبد کالا نشده‌ام، آیا باید بپذیریم که آن چند هزار نفری که توانسته‌اند عیدی و سبد کالای بگیرند، وضعیت‌شان از من بدتر است؟»

این قبیل اعتراض‌ها، باز هم مانند سالیان گذشته از سوی وزارت ارشاد، سازمان سینمایی و البته خانه سینما به پاسخ گذاشته شد و طبیعتاً در ادامه نیز تکرار خواهد شد.

در ادامه وزارت ارشاد که از حمایت اهالی هنر موفق بیرون نیامد، توپ را به زمین سینمادارها انداخت و اعلام کرد که در ازای هر پرده، ۱۰ میلیون تومان وام پرداخت خواهد کرد که سینمادارهایی توانمند با ارائه مدارکی، این وام‌ها را دریافت کرده و چندماه بعد با سود به آنها بازگرداند؛ شوخی بزرگ که از همان ابتدا از سوی سینماگران با استقبال روبرو نشد و دستمایه شوخی گریه‌آور آنها قرار گرفت. قطعاً بهترین کاری که وزارت ارشاد برای سینمادارها انجام داد، این بود که بدهی آنها به دفاتر پخش را در قالب وامی آماده و تقدیم کرد.

البته این تمام هنرنامه‌ی وزارت ارشاد در این مدت نبود و این نهاد مبلغ یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان تمامی اعضای صندوق اعتباری هنر پرداخت کرد و البته که با ریزنی‌هایی، اعضای این صندوق در زمره دریافت‌وام یک میلیون تومانی ایام کرونا

و کمک‌هزینه ماهیانه ۱۰۰ هزار تومانی قرار داد. این تمام کمک‌ها و تانلای‌هایی بود که وزارت ارشاد و شاخه‌های آن برای حمایت از سینمادارها و اهالی سینما انجام داد؛ کمک‌هایی که نه تنها گره‌ای از مشکلات اعضای نه‌چندان زیاد این صنف باز نکرد، بلکه آنان را به این باور تلخ رساند که حتی به اندازه کارگران فصلی تحت حمایت هیچ‌نهادی قرار ندارند و در شرایط فرج، این خود هستند که باید روی پایشان بایستند. در تمام این ۱۰ ماه، به استثنای جشنواره جهانی فجر تمام جشنواره‌های اصلی و فرعی در زمان همیشگی خود برگزار شدند و متأسفانه این اصرار که از سوی وزارت ارشاد و سازمان سینمایی در برگزاری این جشنواره‌ها دیده شد، در مورد حمایت از اهالی سینما دیده نشد. جالب آنکه تعداد مخاطبان بسیاری از این جشنواره‌ها به اندازه‌ای پایین بود که تصویر یا آماری از آنها ارائه نشد.

تاجایی که برخی رسانه‌ها لایو یکی از برنامه‌های سینماحقیقت با تنها سه نفر و لایو هنر و تجربه با حضور میهمان خارجی که تنها ۱۴ مخاطب داشت، رونمایی کردند! آن هم در شرایطی که برای برگزاری چنین رخداد‌های آنلاینی، تبلیغات بسیاری شده بود.

در مقابل، بسیاری از اعضای بدنه سینما از کوچک‌ترین تا رده بالاترین مدیر و وزارت ارشاد و سازمان سینمایی تقاضا کردند تا هزینه این جشنواره‌ها به‌شکل عادلانه‌ای میان آنها تقسیم شود اما این درخواست چندین باره، با کوچک‌ترین واکنشی از سوی این مدیران مواجه نشد. تنها تا پیش، مدیرعامل فارابی بود که در پاسخ به این اظهارات پاسخ داد که بودجه جشنواره‌ها از محل برگزاری خودشان تامین می‌شود و اگر قرار باشد جشنواره‌ای برگزار نشود، اصلاً بودجه‌ای در کار نخواهد بود تا بخواهند آن

را میان اعضای سینما تقسیم کنند.

کارد خیلی وقت است از استخوان مانم گذشته!

علی سرتیپی، تهیه‌کننده، پخش‌کننده و سینمدار ضمن انتقاد از تعطیلی ادامه‌دار سینماها به «فرهنگینگان» گفت: «این دوستان فقط به‌ما می‌گویند تعطیل کنید و به دیگر جنبه‌های آن هیچ کاری ندارند. دیگر نمی‌دانند که همین یک جمله آنها که می‌گویند «تعطیل کنید» معنی‌اش آن است که من باید حتی در صورت تعطیلی، حقوق پرسنل، بیمه آنها، شارژ سنگین و دیگر هزینه‌های جاری پردیسی مانند کوروش را متقبل شوم و این یعنی این هزینه‌ها را که ماهانه ۶۰۰ میلیون تومان می‌شود باید از جیب بپردازم و این برای ماه دهم است که دارم این چنین خرج می‌کنم. من توانسته‌ام با فعالیت پردیس کوروش در سال‌های قبل، پرسنل خود را حفظ کنم اما سینماها و پردیس‌های دیگر چگونه باید بتوانند از پس مخارج کم‌رشدن خود برآیند و اینکه من تا چه زمان می‌توانم به این شیوه، پرسنل و هزینه‌های جاری سالن‌هایم را پوشش بدهم؟ آن هم در شرایطی که هیچ‌افق روشنی از آینده سینماها در دست نیست و اصلاً مشخص نیست که وضعیت سینماها طی سه ماه‌های مانده امسال و البته ماه‌های ابتدایی سال آینده به چه ترتیبی خواهد بود.»

این صحبت‌های سرتیپی در شرایطی به‌زبان آورده شده که پردیس کوروش سال گذشته در چنین روزهایی، بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون تومان درآمد روزانه داشت و به‌عنوان پر فروش‌ترین و پر مخاطب‌ترین پردیس سینمایی کشور شناخته می‌شد. البته که در همین چندماه، بسیاری از پردیس‌ها از جمله پردیس آزادی، چندین پرسنل خود را به‌ناچار از دست داد و متأسفانه تعداد پرسنل سینما، عوامل تولید و حتی هنروران و دیگر صنوف سینمایی که بیکار شده‌اند، به‌شکلی تصاعدی، ماه به ماه بیشتر شده و هم‌اکنون اصلاً عدد و رقمی از تعداد بیکاران این صنف وجود ندارد.

از آنجا که هیچ بیمه‌بیکاری‌ای تا امروز شامل اهالی هنر نمی‌شود، بیکاری این قشر نه‌چندان زیاد، مصادف است با خانه‌نشینی و صفر شدن میزان درآمد ماهیانه آنها. تازه در چنین شرایطی است که قدر بارانه ۴۵ هزار تومانی برای اهالی هنر بیشتر دانسته می‌شود. اشتباه نکنید، از اقبال مستضعف و تحت پوشش بهزیستی یا کمیته امداد صحبت نمی‌کنیم، داریم از اهالی فرهنگ و هنر یک مملکت سخن می‌گوییم. یکی از عوامل سینما که سابقه ۱۴ ساله فعالیت در حوزه سینما را دارد و نمی‌خواهد نامش رسانه‌ای شود به «فرهنگینگان» گفت: «باور کنید آنقدر اخبار ناگوار از وضعیت زندگی دوستان و برخی همکاران می‌شنوم که دیگر وضعیت خودم را فراموش می‌کنم،



مثلاً همین در روز ویدیویی از استاد «محمد فیلی» دیدم که طی آن درخواست ملاقات با جناب رئیس‌ی را داشتند، چون گویا با صاحب‌خانه خود به اختلاف‌هایی خورده بودند و مجبور شدند خانه‌ا خالی و وسایل منزل‌شان را در پارکینگ خانه یکی از دوستان‌شان خالی کنند. همسر و فرزندان ایشان هم در خانه یکی از اقوام‌شان زندگی می‌کنند. شنیدن این چیزها دل آدم را به‌درد می‌آورد که این همه هنرمند در این سینما فعالیت کردند و الان همه بدون متولی رها شدند و کسی هم کاری به کارشان ندارد. الان وزارت ارشاد باید پاسخ دهد که این روزها دارد چه کار می‌کند؟ وقتی بدنه سینما مستاصل رها شده‌اند نمی‌توانند حتی یک مرغ بخردند، شما چه برنامه و هدف مهم‌تر و باز اثرش دیگری دارید و اصلاً آن هدف را برای چه کسانی و با چه کسانی می‌خواهید برگزار کنید؟ یعنی آنها نمی‌دانند چند نفر از بچه‌های سینما به مسافرت‌های و اسنپ روی آورده‌اند؟ مگر می‌شود ندانند چه تعداد از اهالی سینما مشغول دستفروشی هستند. دوستانی را می‌شناسم که از شهرستان به تهران آمده و مسافر کشی می‌کنند و شب‌ها هم در ماشین می‌خوابند و ماهی یکی، دو بار به شهرستان می‌روند تا زن و بچه‌شان را ببینند. اجاره‌خانه و عقب افتادن اقساط وام و ندادن حق بیمه و باطل شدن آن که دیگر جزء مشکلاتی بود که در ماه‌های اول وقوع کرونا اتفاق افتاد.»

یکی از تهیه‌کنندگان سرشناس سینمای ایران نیز به «فرهنگینگان» اعلام کرد: «من چندین بار نشست‌هایی را با مدیران سینمایی برگزار کردم. قصد داشتم در همان ماه‌های اول، گله و شکایت‌های خود را مانند بسیاری از همکارانم رسانه‌ای کنم که گفتم شاید درست نباشد و باید به نهادهای دولتی فرصت داد تا کمی از این همه باری که روی دوش آنها سنگینی می‌کند، خلاصی بیابند و سرفرست به سینما بپردازند. اما امروز می‌بینیم که بعد از گذشت ۱۰ ماه، هیچ‌اتفاقی برای سینما و اهالی آن نیفتاده. باور کنید روزی نیست که از من تقاضای پول دستی نکنند. صحبت این است که ما در جمع مدیران، برنامه‌های خود برای بروزرفت از این وضعیت را اعلام کرده‌ایم و در ظاهر هم با استقبال خوب آنها مواجه شده‌ایم اما هفته‌ها و ماه‌ها از آن برنامه‌ها گذشت و متأسفانه هیچ‌اتفاقی برای سینما و مدیران سینماگر نیفتاده است.» این سینماگر ادامه می‌دهد: «این در شرایطی است که به‌نظر من حتی با وجود اعلام قبلی مسئولان در واکنش‌های سینما می‌مردم در بهار یا ابتدای تابستان، باز هم این معضل ۶ ماه‌نخست سال آینده را نیز تحت الشعاع خود قرار داده و باید فکر کنیم که وضعیت سینماها به‌همین منوال باقی خواهد ماند یعنی تا ۹ ماه دیگر، بنابراین باید تا شرایط بدتر از این نشده و مشکلات دیگری روی این مشکلات کنونی نیفتاده، فکری به‌حال سینما کرد و آن را از این منجالب بیرون کشید.»

در خبرها آمده بود که حسین انتظامی، ریاست فعلی سازمان سینمایی، سال آینده احتمالاً با پایان عمر دولت از این سمت جدا شده و به‌عنوان ریزین فرهنگی راهی وین می‌شود. اوسال‌ها در معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد، رزومه درخشانی از خود به‌جای گذاشته بود و نشستن وی روی کرسی سازمان سینمایی و شغلی که وی هیچ‌سابقه و اطلاعات چندان‌ی راجع به آن نداشت، این امید را در دل سینماگران به‌وجود آورده بود که انتظامی با شناختی که از سختی معیشت روزنامه‌نگاران دارد، حالا و با روی کار آمدن می‌تواند بخشی از مشکلات صنفی و حقوقی آنها را مرتفع کند اما متأسفانه بیشترین سهم انتظامی از این امیدواری‌ها، انتشار نسبتاً منظم هزینه‌کرد نهاد‌های زیردستش تحت عنوان «شفافیت» بود و وی نیز مانند مدیران قبلی این سازمان، گره‌ای از این طناب کور مشکلات معیشتی‌شان نداد. اهالی هنر باز نکرد. حالا هم که خبر رفتنش از سازمان سینمایی قطعی شده، وی شاید از انگیزه‌های کافی برای فعالیت در زمین سینماگران و سینماداران برخوردار نباشد و به همین دلیل، وزارت ارشاد باید مستقیماً به این رویکرد ورود کند و خود، سازوکارهایی را برای حمایت محکم‌تر و بهتر از هنرمندان و سینماداران طراحی کند. همچنان که طراحی می‌کنند چه مشاغلی در گروه ۱ تا ۴ باشند، به همین ترتیب هم طراحی کنند که چه کمک‌هایی را به‌صورت مستمر تا پایان کرونا به اهالی سینما مبدول می‌داند یا زمانی که این وزارت خیلی زودتر از ستاد ملی کرونا، طی نامه‌هایی از سینماداران و دیگر صاحبان امکان فرهنگی می‌خواهد که آن را تعطیل کنند، به همین ترتیب هم اعلام کنند که خیلی فوری، چه کمک‌هایی را برای بیشتر نبودن سینما و سینماگران به کار خواهند بست؟

یعنی طی سال جاری که تمام کشور با کرونا دست‌و‌پنجه‌نرم کرده، وزارت ارشاد درگیر چه فعالیت مهم‌تری بوده که نه به معیشت اعضای نه‌چندان زیاد خود پرداخته و نه حمایت جمعی از مکان‌های تحت اداره خود انجام داده است؟ آیا می‌توان در چنین شرایطی، نظم در برگزاری جشنواره‌های متعدد را نشان‌های خوب و درستی از تعهد و حسن نیت این نهاد مهم در رفع امورات اعضا و امکان خود برشمرد؟

